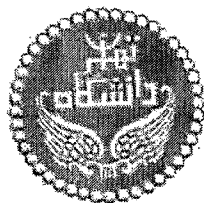


۸۷,۱۰۰۲۲۴

۸۷,۱۰,۱۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۰۷۰۷۷



دانشگاه تهران
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

موضوع:

«بررسی رابطه تروریسم و نقض حق حیات»

نگارش:

کیما مظاهری

استاد راهنما:

دکتر سیدباقر میرعباسی

استاد مشاور:

دکتر عباسعلی کدخدایی

۱۳۸۷ / ۹ / ۲۳

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در

رشته تحصیلی: حقوق بشر

مهر ماه ۱۳۸۴

۱۰۶۰۷۷

دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه آموزشی حقوق عمومی
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد آقای / خانم کیمیا مظاهری دیل

در رشته حقوق بشر گرایش

با عنوان: بررسی رابطه تروریسم و نقض حق حیات را در تاریخ ۸۴/۷/۱۳

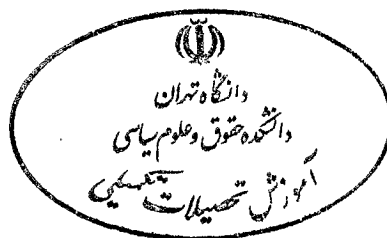
پانزدهم
بهمن ماه
۱۳۸۴

با نمره نهایی:

و درجه: بسیار خوب ارزیابی نمود

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱.	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد):	دکتر سید باقر میرعباسی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲.	استاد مشاور	دکتر عباسعلی کدخدایی	دانشیار	"	
۳.	استاد مدعو (یا استاد مشاور دوم)	دکتر یوسف مولایی	استادیار	"	
۴.	استاد مدعو				
۵.	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی:	دکتر امیرحسین رنجبریان	استادیار	"	

تذکر: این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد.



۱۳۸۷ / ۱۹ / ۲۳

تقدیم به:

بعد از خالق و مالک همه چیز و همه کس؛

به:

روح بزرگ پدرم که تمام زندگی خویش را وقف فرزندانش کرد؛

به:

مادر عزیزم که هر آنچه دارم از دست دعای او به دامن خالق، هستیست؛

به:

برادر مهربان و بزرگوارم که در تمام شرایط و محظبات زندگی و تحصیل، تکیه گاهم بوده و هست.

یک

چکیده

یکی از پیامدهای اساسی، اصلی و غیرقابل انکار پدیده تروریسم نقض حق حیات انسان‌هاست. در حقیقت نقض بالقوه و یا بالفعل حق حیات در بطن و ذات تروریسم جای دارد.

تروریسم از هر نوع و با هر هدفی که صورت گیرد تهدیدی برای حیات فردی و جمعی خواهد بود. اگر چه تروریسم امنیت ملی دولت‌ها را به مخاطره می‌اندازد اما این خود پیامد تهدیدی است که از طرف تروریست‌ها متوجه امنیت جسمانی و روحی اتباع یک دولت است، چه اتباعی که از لحاظ سیاسی و مناصب قدرت شاخص هستند و چه شهروندان معمولی یک دولت. به عبارتی اصل و اساس نتایج یک اقدام تروریستی- در کنار خسارات مالی و امنیتی که فرعیات قضیه هستند- خسارت جانی افراد می‌باشد. حال فرقی نمی‌کند که هدف و انگیزه تروریست‌ها از آن اقدام چه بوده است. نوشتار حاضر به بررسی رابطه تروریسم و نقض حیات می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها:

تروریسم- حق حیات- نقض حق حیات- کنوانسیون‌های مقابله با تروریسم- جنایت علیه بشریت.

تشکر و قدردانی:

تشکر و قدردانی صمیمانه و خالصانه نثار تمامی اساتیدم که به من آموختند راه

درست زیستن را؛

تشکر و سپاس بی کران از محضر استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر میرعباسی

تشکر و قدردانی بی دریغ از محضر استاد عزیزم جناب آقای دکتر کدخدائی

تشکر و سپاس خالصانه از محضر استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر مولائی

فهرست مطالب

۳	فصل اول) بررسی مفهوم تروریسم.....
۴	مبحث اول) تعریف و تاریخچه تروریسم.....
۴	گفتار اول) واژه شناسی و تعریف تروریسم.....
۶	۱. مشکل تعریف.....
۱۰	۲. در جستجوی تعریفی برای تروریسم.....
۱۴	گفتار دوم) سوابق تاریخی.....
۱۵	۱. تروریسم در روزگار قدیم.....
۱۵	۱.۱. تروریسم در عهد باستان.....
۱۶	۲.۱. تروریسم در قرون وسطی.....
۱۸	۲. تروریسم در روزگار معاصر.....
۱۸	۱.۲. قبل از جنگ جهانی اول.....
۱۹	۲.۲. بعد از جنگ جهانی اول.....
۲۴	گفتار اول) اقدامات جامعه ملل برای مهار تروریسم.....
۲۵	۱. ترور الکساندر اول پادشاه یوگسلاوی و صدور قطعنامه.....
۲۶	۲. تصویب کنوانسیون های مقابله با تروریسم.....
۲۸	گفتار دوم) اقدامات سازمان ملل متحد.....
۲۹	۱. تصویب کنوانسیونها.....
۳۰	۲. صدور قطعنامه توسط شورای امنیت.....
۳۱	گفتار اول) تروریسم در حقوق داخلی.....
۳۱	۱. قوانین انگلستان.....
۳۲	۲. قوانین ایالات متحده.....
۳۳	۳. قوانین فرانسه.....

۳۳ مطابق ماده ۳۱۴ قانون ۸ ژوئن فرانسه
۳۴ ۴. قوانین اسپانیا
۳۴ گفتار دوم) تروریسم در حقوق بین الملل
۳۴ ۱. جایگاه حقوقی تروریسم در حقوق بین الملل
۳۷ ۲. صلاحیت جهانی برای مقابله با تروریسم در حقوق بین الملل
۳۸ گفتار سوم) اسلام و تروریسم
۳۸ ۱. شأن و کرامت بشری در اسلام
۳۹ ۲. اهمیت صلح و امنیت در اسلام
۴۱ ۳. توجه اسلام به جهاد و نفی جنگ و ترور
۴۳ فصل دوم
۴۳ بررسی مفهوم حق حیات
۴۴ گفتار اول) حق حیات در اسناد حقوق بشری
۴۴ ۱. منشور سازمان ملل متحد
۴۵ ۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر
۴۶ ۳. میثاق بین المللی حقوق مدنی سیاسی
۴۹ گفتار دوم) حق حیات در کمیسیون اروپایی حقوق بشر
۴۹ ۱. تعهد منفی یا سلبی دولتها
۵۰ ۲. تعهد مثبت یا ایجابی دولتها
۵۳ گفتار اول) بعد منفی حق حیات (الزام بر محروم نساختن انسانی از حیاتش)
۵۳ ۱. منع سلب خودسرانه حیات
۵۴ ۱. منع ناپدیدگی اجباری
۵۵ گفتار دوم) بعد مثبت یا ایجابی حق حیات؛ (الزام بر اتخاذ اقدامات مثبت برای حفظ و صیانت حیات).
۵۵ حفظ و حمایت از حیات انسانها
۵۶ تعقیب و مجازات ناقضین حق حیات

۵۹	گفتار سوم) استثنائات بر حق حیات؛ (اعدام - موارد خاص سلب «خودسرانه» حیات).....
۶۰	مجازات اعدام.....
۶۴	موارد خاص سلب «غیر خودسرانه» حیات.....
۶۶	گفتار چهارم) حق حیات و جنگ.....
۶۶	۱. حق حیات در کنوانسیونهای چهارگانه ژنو.....
۶۷	۱.۱ افراد و گروه های مورد حمایت.....
۶۸	۲.۱. اعمال و رفتار منع شده.....
۶۹	گفتار اول) اهمیت حق حیات در اسلام.....
۷۰	۱. قرآن و سنت.....
۷۲	۱. اعلامیه اسلامی حقوق بشر.....
۷۳	گفتار دوم) مفهوم حق حیات در نظام حقوقی اسلام.....
۷۳	۱. بعد منفی حق حیات.....
۷۴	۲. بعد مثبت حق حیات.....
۷۵	۳. استثنائات برحق حیات.....
۷۷	فصل سوم:.....
۷۷	بررسی رابطه تروریسم و نقض حق حیات.....
۷۸	گفتار اول) نقض حقوق بشر در اعمال تروریستی.....
۷۸	۱. نقض حق بر امنیت.....
۷۹	۲. نقض دیگر حقوق بنیادین.....
۷۹	گفتار دوم) نقض حقوق بشر در جنگ علیه تروریسم.....
۸۰	۱. حقوق بشر قربانی جنگ علیه تروریسم.....
۸۲	۲. برای پاسخ به تروریسم یک چهارچوب حقوق بشری ضروری است.....
۸۶	گفتار اول) رسیدگی کیفری و تضمین حمایت از حق حیات.....
۸۷	۱. صلاحیت رسیدگی.....

۸۸	۲. صلاحیت جهانی محدود
۸۹	۳. اصول کلی برای رسیدگی به جرایم تروریستی
۸۹	۴. جنبه کیفری نقض حق حیات در جرائم تروریستی
۹۰	گفتار دوم) حقوق قربانیان تروریسم
۹۰	۱. مفهوم کیفری تروریسم
۹۱	۲. تعیین مجرم یا بزهکار
۹۳	گفتار اول) مفهوم حق حیات در تعاریف مختلف از تروریسم
۹۳	۱. تروریسم از دیدگاه جانانان وایت
۹۵	۲. تروریسم از دیدگاه جیمز در دریان
۹۹	گفتار دوم) مفهوم حق حیات در اسناد مقابله با تروریسم
۹۹	۱. کنوانسیونهای بین المللی
۱۱۰	۲. قطعنامه‌های شورای امنیت
۱۱۱	۳. کنوانسیونهای منطقه ای
۱۱۴	گفتار سوم) تروریسم و نقض حق حیات
۱۱۴	۱. نقض حق حیات بخش لاینفک تروریسم
۱۱۷	۲. ممنوعیت نقض حق حیات در اسناد مقابله با تروریسم
۱۳۳	منابع و مأخذ

مقدمه:

تروریسم پدیده جدیدی نیست، تاریخ، مشحون از اقداماتی است که حیات بی‌گناهان بیشماری را سلب یا تهدید کرده، افراد بشر را از حقوق و آزادی‌های اساسی خود محروم ساخته، روابط میان دولت‌ها را در معرض خطر قرار داده و تمامیت ارضی و امنیت دولت‌ها را به مخاطره افکنده است.

در عصر ما تروریسم از تهدیدی ملی به یک تهدید بین‌المللی و جهانی مبدل گشته است. در عصر جهانی شدن و فن‌آوری پیشرفته، اقدامات تروریستی، دیگر در مرزهای ملی یا منطقه‌ای محصور نمی‌ماند. گسترش مسافرت‌های هوایی، انقلاب ارتباطات، اقتصاد جهانی خصوصی، و جهان بدون مرزی که در آن زندگی می‌کنیم شرایطی را پدید آورده است که می‌تواند مورد سوء استفاده تروریست‌ها قرار گیرد.

شاید به جرأت بتوان گفت که یکی از بدیهی‌ترین نتایج اقدامات تروریستی و خوف‌انگیزترین محصول این پدیده شوم نقض حق حیات انسان‌هاست، حق حیات جوهری‌ترین حق انسان است، زیرا بدون وجود آن دیگر انواع حقوق بشر سالبه به انتفاع موضوعند. از میان همه حقوق تنها حق حیات واجد وصف ذاتی بودن شناخته شده است. بدین دلیل که جزء لاینفک از شخص انسانی است. این وصف خواه منبعث از دیدگاه مبتنی بر حقوق الهی، خواه ناشی از حقوق فطری، دارای چنان اعتباری است که جوهر حق حیات را خدشه‌ناپذیر می‌سازد، به گونه‌ای که تعهد به اجرای آن در همه زمان‌ها و مکان‌ها به عنوان قاعده‌ای غیرقابل نقض باقی می‌ماند.

با وجود آنکه حق هر انسانی بر حیات از چنان بداهتی برخوردار است که نیازی به اثبات ندارد، اما این حق به اشکال گوناگون - و حتی پیش از تولد انسان - در معرض تهدید واقع می‌شود. سقط جنین، خودکشی، مرگ آسان (اتانازی)، سلب حیات از دیگران با انگیزه‌های شخصی یا قومی، نژادی و مذهبی، در نتیجه اجرای یک حکم قضایی یا در طول منازعات مسلحانه و به شکل بارزتر و خشن‌تر، در نتیجه تروریسم، جلوه‌هایی از این تهدید دائمی هستند.

در حقیقت تروریسم را می‌توان تهدیدی علیه تمامیت جسمی و روحی افراد به دلایل و انگیزه‌های سیاسی دانست. اگر چه تروریسم در عین تهدید علیه تمامیت ارضی و امنیت ملی دولتهاست، لیکن به طریق اولی حیات اتباع دولتها را نیز در معرض خطر قرار می‌دهد.

نقض و خطر نقض حق حیات به صورت بالقوه و بالفعل، همراه و همزاد تروریسم می‌باشد. به عبارتی یکی از پیامدهای غیرقابل انکار تروریسم نقض حق حیات انسان‌هاست.

در نوشتار حاضر نگارنده در صدد است تا ارتباط میان پدیده تروریسم و نقض حق حیات را از دیدگاه حقوق بین‌الملل بررسی نماید. این پژوهش از سه فصل تشکیل شده است که در فصل اول به بررسی مفهوم تروریسم پرداخته می‌شود. فصل دوم این نوشتار بررسی مفهوم حق حیات را در بر دارد و در فصل سوم آن ارتباط میان تروریسم و نقض حق حیات مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. و در نهایت نتایج این پژوهش بیان می‌گردد. امید است این وجیزه هر چند ناقص بتواند گامی در جهت مبارزه با تروریسم و دفاع از حق حیات انسان‌ها باشد.

فصل اول:

بررسی مفهوم ترویسیم

مبحث اول) تعریف و تاریخچه تروریسم

گفتار اول) واژه‌شناسی و تعریف تروریسم

واژه ترور از ریشه لاتینی «ترس» به معنای ترس و وحشت گرفته شده است. واژگان تروریسم و تروریست از مشتقات این واژه به شمار می‌روند. فرهنگ معروف لاروس ترور و تروریسم را به ترتیب به «هراس» و «رژیم وحشت» معنا کرده است.^۱ در پیوست تکمیلی فرهنگ لغات فرهنگستان علوم فرانسه نیز تعریفی کاملاً متشابه از تروریسم به چشم می‌خورد. به لحاظ واژه‌شناسی تاریخی، کلمه ترور برای نخستین بار در سال ۱۳۵۵ میلادی در زبان فرانسه ظاهر می‌شود. و کمی بعد زبانهای انگلیسی و ایتالیایی آن را از زبان فرانسه به عاریت می‌گیرند.^۲ در ابتدا این واژه به معنای ترس و وحشی شدید بوده که غالباً در اثر تهدیدی ناآشنا، غیرقابل پیش‌بینی و مبهم ایجاد می‌شود. فرهنگ لغت آکادمی فرانسه ترور را احساس روحی عمیقی می‌داند که در اثر حضور، اعلام یا ترسیم یک خطر بزرگ به وجود می‌آید. در این ارتباط باید توجه داشت که ترور تنهازاده عمل انسان نیست؛ به بیان دیگر همان قدر که انسانها می‌توانند موجد هراس باشند، عوامل غیرانسانی (طبیعی) نظیر آتشفشانها، زمین‌لرزه‌ها یا حضور حیوانات وحشی می‌توانند دلیلی برای ترس و وحشت باشند.

به نظر می‌رسد که این واژه در طول تاریخ همواره جنبه‌ای منفی نداشته و حتی در طول انقلاب فرانسه، ژاکوبین‌ها^۳ گاه درسرخنان و نوشته‌های خود این اصطلاح را با برداشتی مثبت در مورد خود به کار می‌برده‌اند. عمر این برداشت مثبت از واژه ترور چندان طولانی نبود: پس از نهم ترمیدور، واژه تروریست به صورت ناسزایی درآمد که حکایت از یک عمل بزهکارانه داشت. در همین عصر طولی نمی‌کشد که تروریسم معنایی معادل حکومت وحشت می‌یابد.

۱. آشوری، داریوش، "دانشنامه سیاسی (فرهنگ و اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)"، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۷۷، ص ۴۸.

۲. طیب، علیرضا، "تروریسم در فرافراز و فرود تاریخ"، در مجموعه: تروریسم، تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتار، حقوق، تهران: نشر نی، ۱۳۸۲، ص ۱۹.

۳- از گروه‌های تندرو در انقلاب فرانسه، این گروه پس از سقوط روبسپیر در نهم ترمیدو شکست و نفوذ خود را از دست داد.

چندی نگذشت که پای این واژه به انگلستان نیز باز شد؛ ادموند برک در نوشته‌ای معروف در سال ۱۷۹۵، از «هزاران درنده دوزخی که خود را تروریست می‌خواندند» و به جان مردم می‌افتادند، یاد کرده است.^۱ در آن زمان منظور از تروریسم، فرازی از انقلاب فرانسه بود که تقریباً از مارس ۱۷۹۳ تا ژوئیه ۱۷۹۴ را در برمی‌گرفت؛ این واژه کمابیش با عبارت «حکومت وحشت» هم معنا بود. در مجمع ملی انقلابیون فرانسه ترور به عنوان یک قانون به تصویب رسید و در همان سال ۱۷۹۳ در حمله موسوم به ترور اول رقمی بیش از ۲۰ هزار نفر از جمله تعداد فراوانی روحانی مسیحی و هوا دار سلطنت خودکامه در سراسر فرانسه کشته شدند.^۲

در برابر تجاوز بیگانه و تهدیدات داخلی کنوانسیون ملی در سی‌ام اوت ۱۷۹۳ حالت ترور را اعلام می‌کند و تحت این عنوان یک سلسله اقدامات استثنایی را اتخاذ می‌کند؛ اقداماتی که به گمان انقلابیون آن عصر فرانسه برای تحکیم پایه‌های انقلاب ضروری بودند. بدین ترتیب ترور تبدیل به یک شیوه حکومتی می‌شود. شیوه‌ای که از سوی «کمیته نجات ملی» و تحت سرپرستی «روبسپیر» به اجرا درآمد.^۳

در پایان قرن نوزدهم، واژه تروریسم معنای تازه‌ای می‌یابد. حملات «پوچ‌گرایان»^۴ در دهه ۱۸۸۰ در روسیه و سپس «هرج و مرج‌گرایان»^۵ در دهه ۱۸۹۰ در سراسر اروپا به عنوان اقدامات تروریستی مورد خطاب قرار می‌گیرند. بعدها واژه تروریسم معنایی گسترده‌تر یافت و در فرهنگ‌های لغت، معادل نظام وحشت و ترور تعریف شد. تروریست کسی بود که می‌کوشید به کمک نظامی از هراس افکنی مبتنی بر قهر، دیدگاه‌های خود را پیش برد. اخیرتر از اینها واژه تروریسم (مانند واژه گریلا یا چریک) در چنان معانی متفاوت و متعددی به کار رفته که تقریباً بی‌معنا شده است و همه

۱- علیرضا طیب، پیشین، ص ۲۲.

۲- ترانشال، ژو، «ترورهای تاریخی»، ترجمه دکتر هادی خراسانی، تهران: انتشارات مجرد، ۱۳۷۱، صص ۲۳-۲۵.

۳- پیشین، ص ۳۸.

4 . Nihilistes

5 . Anarchistes

گونه اقدام خشونت بار - و نه تنها اقدام خشونت بار سیاسی - را در برمی گیرد. بدین ترتیب تروریسم نه تنها برای توصیف ترور دولتی بلکه برای توصیف ترور انجام شده بر ضد دولت نیز به کار می رود.^۱

این دو مفهوم در فاصله دو جنگ جهانی همچنان رایج هستند. در این سالها تروتسکی کتاب «دفاع از تروریسم» را به چاپ می رساند و در آن ترور اعمال شده به نام طبقه کارگر (پرولتاریا) را توجیه می کند. در همین عصر و به دنبال ترور آلکساندر پادشاه یوگسلاوی، جامعه ملل دو کنوانسیون بین المللی را تهیه می کند که یکی از آنها کنوانسیون راجع به «پیشگیری و سرکوب تروریسم» است.

تحولات چند دهه اخیر در زمینه تروریسم این واژه را به اقدامات انجام گرفته بر ضد مقامات دولتی محدود کرده است؛ حال آنکه در مورد اعمال انجام گرفته بوسیله دولت‌ها عمدتاً از واژه «ترور دولتی» یا «تروریسم دولتی» استفاده می شود.

۱. مشکل تعریف

منظور از تروریسم در شرایط امروزی دنیا چیست؟ یا به چه مواردی اطلاق می شود؟ اصولاً مشکل تروریسم با تعداد زیادی از مسایل پیچیده احاطه شده است. بطور خلاصه می توان گفت که مهمترین آنها مربوط است به: تعریف تروریسم، علل تروریسم و طرق مقابله با تروریسم.

تعریف تروریسم با مشکلات مهمی مواجه می باشد. بعلاوه موضوع اختلاف نظرها در مذاکرات در مجامع ملی و بین المللی در زمینه تروریسم می باشد. غالباً محققین این مسئله را با عنوان «مشکل تعریف» یاد می کنند که منظور از آن تداعی اختلاف نظرها، تفاوت دیدگاه‌ها و مسائل مطروحه پیرامون تروریسم می باشد. یکی از موانع مهم در راه دستیابی به طرق مسالمت آمیز حل مشکل تروریسم، موضوع تعریف آن است. تعریف تروریسم همیشه بحث انگیزترین مورد در تمام مذاکرات و گفتگوها درباره تروریسم بوده است. این مباحثات که حداقل طی پنجاه سال (از زمان تهیه و تدوین

۱- طیب، علیرضا، پیشین، ص ۲۰

کنوانسیون جامعه ملل دربارهٔ جلوگیری و سرکوب تروریسم) ادامه داشته است، لکن حتی سؤالات اولیه را پاسخگو نبوده‌اند؛ آیا اصولاً باید تروریسم تعریف شود؟ چگونه باید آن را تعریف کرد؟ تا کجا و چه اندازه چنین تعریفی باید مرتبط و مقید به دولت‌ها یا موجودیت‌های غیر دولتی مانند گروه‌ها یا افراد باشد؟^۱ و....

هواداران حقوق بین‌المللی تلاش دارند تا به نیاز تعریف تروریسم جوابگو باشند. بررسی یک محقق در سال ۱۹۸۴ نشان می‌دهد که بین سالهای ۱۹۸۱-۱۹۳۶، یکصدونه تعریف از تروریسم بیان شد. اما تعداد بیشتر تعاریف شانس موفقیت و مورد قبول واقع شدن کمتری را دارند.^۲

اساس همه تلاشهای اولیه سازمان ملل برای برخورد با مشکل تروریسم را بحث بر سر این مسئله تشکیل داده است که آیا مفهوم تروریسم را باید و می‌توان تعریف کرد. از سویی، کسانی مدعی بودند که نمی‌توان بدون توافق بر سر اینکه به راستی چه رفتاری ممنوع است، واکنش‌های هنجاری در قبال رفتارهای ممنوع را پی ریخت.^۳ به ویژه چه نوع کاربرد زور، توسط چه کسی و در چه شرایطی را باید «تروریسم» دانست تا نتایج حقوقی معینی بر آن مترتب باشد؟ از سوی دیگر، کسانی در پاسخ می‌گفتند که توافق بر سر تعریف، محکوم به شکست است و بهتر است با دیدگاهی عمل‌گرایانه در پی ایجاد قواعد مورد توافقی بود که برای جنبه‌های گوناگون مشکل کلی مناسب باشد.^۴

مسلماً در دهه ۱۹۷۰ که جنگ سرد در اوج خود بود و سازمان ملل متحد این مسئله را در دستور کار خود قرار داد اوضاع چنین بود. امروز هم که جو سازمان ملل بسیار بهبود یافته است هنوز

۱- مدتها قبل از جنگ علیه تروریسم فعلی، تنش بر سر تعریف تروریسم در عدم تمایل ایالت متحده به امضای پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیونهای ژنو ۱۹۴۹ خود را نشان داد. دولت ریگان بر این اعتقاد بود که این پروتکل مرزهای بین تروریسم و جنگهای آزادی بخش ملی را از بین می‌برد. در این خصوص ر. ک.

Abraham Sofaer, The Rational For The United States Decision Not To Ratify, 82 Am.J.Intl"L., 7840785(1988).

۲- بهروز آقائی، تدابیر جامعه جهانی برای مقابله با تروریسم، پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۴

۳- علیرضا طیب، پیشین، ص ۳۰۲

۴- پیشین، ص ۳۴

تعریف تروریسم با مشکلات عدیده‌ای مواجه است.^۱ هر چند اکنون میان غرب و اروپای شرقی در مورد اینکه تروریسم چیست اتفاق نظر بیشتری وجود دارد اما تفاوت برداشت جهان اول و جهان سوم شاید به همان اندازه کاهش نیافته است. مشکلات فنی تعریف، بزرگ و چشمگیر است.

در سال ۱۹۷۲، مجمع عمومی کمیته موقت تروریسم را ایجاد کرد. بحث‌های اولیه برای توافق بر سر تعریف تروریسم روشن نمود که برخی، انواع مشخصی از اقدام را تروریسم می‌دانستند، سایرین بر موضوعیت داشتن یک آماج ممنوع در هر تعریف تأکید داشتند، برخی دیگر به اهداف اقدام صورت گرفته اشاره داشتند و عده‌ای ویژگی‌های انجام دهنده عمل را عامل کلیدی در هر تعریفی می‌دانستند؛ بنابراین برخی، گروگان‌گیری، هواپیما ربایی، خرابکاری، آدمکشی، تهدید، ارباب، بمب‌گذاری یا تیراندازی کور را اقدامات تروریستی می‌دانستند.^۲ اما در عین حال، روشن است که هر قتل، تهدید یا تیراندازی توسط هر کسی را نباید تروریسم محسوب داشت. کشتن یک سرباز در میدان نبرد توسط سرباز دیگر، «تروریسم» نیست. تروریسم را نمی‌توان صرفاً استناد به اقدامات انجام شده تعریف کرد.

هدف یا انگیزه، آشکارا یک عنصر کلیدی در فهم تروریسم است. برای یک تروریست، «هدف» استفاده از ترس یا نگرانی شدید برای وادار ساختن آماج اصلی خود به انجام رفتاری یا اتخاذ ایستارهایی است که با یک نتیجه (سیاسی) مطلوب ارتباط دارد.^۳ در اینجا نیز هدف با روش درهم می‌آمیزد. اگر دولتی از موشک برای وادار کردن دولت دیگر استفاده کند این اقدام می‌تواند بسته به همه شرایط، قانونی یا غیرقانونی باشد؛ اما معمولاً «تروریسم» تلقی نمی‌گردد، ولی اگر فردی موشکی پرتاب کند عمل وی «تروریسم» نامیده می‌شود. آیا تروریسم عملی است که صرفاً توسط اشخاص

۱- انور خامه‌ای، «شاه‌کشی در ایران و جهان (جامعه‌شناسی و تاریخ تروریسم)»، تهران: انتشارات چاپ پخش، ۱۳۸۱، ص ۱۹.

۲- علیرضا طیب، پیشین، ص ۳۶.

3 - Paust, A Survey Of Possible Legal Responses To International Terrorism: Prevention Punishment And Cooperativeaction", 5 Georgia Journal Of International And Parative Law (1975) 431.

خصوصی انجام می‌شود یا دولت‌ها هم می‌توانند به آن دست یازند؟ اگر حکومتی تظاهر کنندگان مخالف خود را بکشد آیا اقدام آن، کشتار غیر قانونی است یا تروریسم؟ آیا یک فرد باید بر اساس ایدئولوژی دست به عمل زند تا تروریست محسوب می‌شود؟ یا مزدوران را هم باید تروریست دانست؟^۱

دیدگاه بیشتر دولت‌های غربی و بسیاری از دولت‌های جهان سوم این بود که تلاش برای تعریف تروریسم محکوم به شکست است و بنابراین باید در برابر آن به شدت، مقاومت کرد. اگر غرب اصرار داشت که تعریف تروریسم می‌تواند شامل «تروریسم دولتی» هم شود جهان سوم هم معتقد بود که هر تعریفی که بر بازیگران غیردولتی تأکید کند نمی‌تواند میان تروریسم واقعی و مبارزات آزادیبخش ملی تمیز گذارد. از این رو از دبیر کل خواسته شد تا در مورد امکان تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی برای تعریف تروریسم و تفکیک تروریسم از مبارزات آزادی بخش ملی به مجمع عمومی گزارش دهد. از این گزارش که در سال ۱۹۸۹ تسلیم گردید، روشن است که مشکلات تعریف تروریسم با وجود بهبود وضعیت روابط غرب - شرق از میان نرفته است و اختلاف نظر در مورد فایده یا بی‌فایده‌گی تعریف تروریسم همچنان به جای خود باقی است.^۲

اما به راستی چرا یافتن تعریفی عموماً پذیرفته شده برای تروریسم چنین دشوار است؟ این دشواری علاوه بر مسائلی که ذکر شد از آنجا ریشه می‌گیرد که تنها یک نوع تروریسم نداشته و نداریم بلکه گونه‌های مختلفی از آن وجود داشته و دارد که اغلب ویژگیهای مشترک چندانی با هم ندارند. آنچه دربارهٔ یک گونه درست است می‌تواند دربارهٔ گونهٔ دیگر نادرست باشد. امروز تروریسم تنوعی به مراتب بیشتر از ۳۰ سال پیش یافته است و بسیاری از گونه‌های آن چنان متفاوت با گونه‌های گذشته

۱- بهروز آقائی، پیشین، ص ۲۱.

۲- در این خصوص رک:

Christine Chinlund, "B,I" Boston Globe, 8 Sept. 2003, At A 15, Available At www.boston.com/news/globe/editrial-opinion/editorials/articles/2003/09/08/who-should-wear-the-terrorist-label.

و با یکدیگرند که واژه تروریسم دیگر با برخی از آنها جور در نمی‌آید و احتمالاً در آینده اصطلاحات تازه‌ای برای انواع جدید تروریسم پیدا خواهد شد.^۱

۲. در جستجوی تعریفی برای تروریسم

پس از بیان مشکلات و مسائل موجود برای بیان یک تعریف جامع و کامل از تروریسم در صدد آن هستیم که عناصر متشکله یک تعریف جامع از تروریسم را ترسیم کرده و به برخی از تعاریف مورد قبول در عرصه بین‌الملل اشاره نماییم. آقای آلکس پ اشمدر اثر خود تحت عنوان «راهنمای تحقیق در خصوص مفاهیم، تئوریها و داده‌های اساسی و نوشته‌ها در خصوص تروریسم سیاسی» بیش از صد تعریف از تروریسم را برشمرده است. از طریق یک تحقیق آماری وی در جستجوی این مهم بر آمده است که شایع‌ترین مفهوم پذیرفته شده توسط دکتربین چه مفاهیمی هستند.^۲ طبق این تحقیق؛ خشونت در درجه اول و سپس جنبه سیاسی این پدیده و نهایتاً هراس یا وحشت در کنار عکس‌العملهای روان‌شناختی ایجاد شده خصایص اصلی تروریسم را تشکیل می‌دهند.^۳

تروریسم نوعی عمل یا فعالیت عملی است و باید آن را بر همین اساس تعریف نمود. در غیر این صورت، با در هم آمیختن این پدیده با سایر عناصر خشونت که هیچ ارتباطی با هویت بنیادین آن ندارند موضوع مخدوش می‌شود. وقتی ماهیت تروریسم مشخص شد می‌توان صفتهای مقید کننده‌ای به آن افزود تا چارچوب بحث روشن گردد. برای نمونه ممکن است تروریسم «بین‌المللی»، «داخلی»، «دولتی»، «سیاسی» باشد. هر یک از این قیدها ویژگیهایی از قبیل شرکت کنندگان، محل وقوع، عاملان، یا انگیزه اعمال تروریستی را روشن می‌سازد اما اصل عمل، همواره یکی است.^۴

۱- بهروز آقائی، پیشین، ص ۲۷.

۲- جیمز دردیان، *گفتمان تروریستی: نشانه‌ها، دولت‌ها و نظام‌های خشونت سیاسی جهانی*، ترجمه دکتر وحید بزرگی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۲ ص ۵۱

۳- توماس جی، بدی، «*تعریف تروریسم بین‌المللی: نگرش علمی*»، از ترجمه سیدرضا میرطاهری، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۵ و ۶، سال ۱۳۷۸، ص ۲۴۹

۴- توماس جی، بدی، پیشین، ۲۵۶